



بررسی تاثیر پیدایش نفت بر نقاشان نوگرای ایران (۱۳۱۹ - ۱۳۵۹)

چکیده

کشف نفت در سال ۱۲۸۷ ش.م. ۱۹۰۸، سرآغاز دگرگونی‌های بنیادین در ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه معاصر ایران شد. در این پژوهش، با تمرکز بر هنر نقاشی، به تاثیر نفت در نگاه و آثار نقاشان نوگرای ایران خواهیم پرداخت. آیا نفت بر آثار نقاشان نوگرای ایران تاثیری داشته است؟ اگر چنین بوده، چه عواملی دخیل بوده‌اند؟ شهرهای نفتی جنوب چه جایگاهی برای نقاشان نوگرا داشته‌اند؟ با رجوع به مطبوعات وابسته به شرکت نفت در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۵۹، تلاش خواهیم کرد، از میان خبرها و گزارش‌های منتشر شده، به فعالیت هنری نقاشان نوگرایی بپردازیم که در مناطق نفت خیز جنوب، حضوری موقت و یا مستمر داشته‌اند. علاوه بر مطبوعات وابسته به شرکت نفت، با مراجعه به تاریخ نقاشی معاصر ایران، رد این تاثیر را در آثار و زندگی نقاشان شاخص کشور پی گیری خواهیم کرد. به همین دلیل، رجوع به اسناد مکتوب، شیوه‌ای مناسب برای دست یافتن به اطلاعات مورد نیاز این پژوهش خواهد بود. در بررسی مقدماتی مطبوعات سال‌های مورد نظر، با حجم زیادی از خبرها و

احمد روان جو

عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز- استادیار دانشکده هنر شوشتر- دکترای پژوهش هنر

Email:
Ravanjoo.ahmad@gmail.com

محمد صمدی راد

کارشناسی ارشد پژوهش هنر از دانشگاه شهید چمران اهواز- دانشکده هنر شوشتر

Email:
mohamadsamadirad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۶

گزارش‌های هنری مواجه می‌شویم که، پویایی فرهنگ و هنر شهرهای نفتی جنوب را به خوبی نشان می‌دهند. بخش زیادی از این فعالیت‌های هنری به سینما، ادبیات، نمایش و موسیقی مربوط می‌شود، با این وجود، خبرهای مربوط به هنرهای تجسمی و حضور نقاشان نوگرا در شهرهای نفتی قابل توجه است.

واژگان کلیدی: نفت، نقاشان نوگرا، دانشکده هنرهای زیبا، مناطق نفت خیز

مقدمه

شاخص معاصر، در این زمینه انجام داده‌اند، همگی به اجماع، به این عوامل پرداخته‌اند. اما تاثیر نفت و نقش و جایگاه شهرهای نفتی جنوب بر هنر نوگرای معاصر، مغفول مانده و کم‌تر به آن توجه شده است.

تکامل و شکل‌گیری شهرهای مدرن نفتی خوزستان - به ویژه آبادان و مسجدسلیمان - در سال‌های نخست دهه ۱۳۲۰ ش. بستر مناسبی برای هنرمندان نوگرای ایران فراهم آورد، تا به تبیین و ترویج مولف‌های جدید در فضای هنری این شهرها بپردازند. هر چند، این مسیر تحت تاثیر وقایع سیاسی و اجتماعی وابسته به صنعت نفت و تحولات مربوط به آن بوده است، اما روند نقاشی امروز ایران نشان می‌دهد که، فضای شهری و سازماندهی اجتماعی ساکنان این شهرها، منشا و مبدا تحولات چشمگیری در نقاشی نوگرای ایران بوده است.

در این پژوهش، تلاش شده است تا با تمرکز و استناد به مطالب منتشر شده در سه مجله وابسته به شرکت نفت - «آئینه»، «نامه صنعت نفت ایران» و «اخبار هفته مسجدسلیمان» - نقش کشف نفت و تاثیر آن را بر نقاشان نوگرای ایران، مورد مذاقه قرار دهیم. نگاه تاریخی به این موضوع، و استناد به مطالب کتاب‌ها، مقاله‌ها و مصاحبه‌ها و گزارش‌های منتشر شده در مطبوعات، خاصه نشریات وابسته به شرکت نفت، ناگزیر شیوه تاریخی - توصیفی را پیش روی پژوهشگر قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

درباره نقاشان نوگرای ایران به تفصیل نوشته شده است. در اینجا تنها به دو کتاب منتشر شده در این زمینه اشاره می‌شود، «پیشگامان نقاشی معاصر ایران: نسل اول» نوشته جواد مجابی و «نقاشی ایران، از دیرباز تا امروز» نوشته روئین پاکباز، اما با کتاب ساختارمند یا مقاله‌ای که اختصاصاً به تاثیر نفت بر نقاشان نوگرای ایرانی پرداخته باشد، مواجه نمی‌شویم. تنها در کتاب‌هایی چون «به باغ همسفران» نوشته روئین پاکباز و یعقوب امدادیان (۱۳۷۹)، «گفته‌ها» نوشته ابراهیم گلستان (۱۳۸۷)، «سایه پدر بزرگم» نوشته سحر خلخالیان (۱۳۹۵) و ادب و هنر امروز ایران: مجموعه مقالات (۱۳۷۳) جلال آل احمد با مطالبی مواجه می‌شویم که به زندگی و آثار هوشنگ پز شک نیا پرداخته‌اند. داربوش کیارس (۱۳۸۸) در مقاله «نیم رخ هوشنگ پز شک نیا» به

نوگرایی در ایران با جنبش مشروطه وارد مرحله تازه‌ای شد و شتاب بیش‌تری گرفت. برخلاف ادبیات که، در میان مردم و بیرون از محیط آموزشی به تجدد، گرایش پیدا کرد و به نتایج قابل قبولی رسید، در نقاشی، این فضای مدرسه بود که، ورود سبک‌ها و گرایش‌های مدرن غربی را مهیا نمود. برخی از مورخان هنر، مدرسه هنری صنایع مستظرفه کمال‌الملک را آغاز آموزش‌های مدرن نقاشی در ایران معاصر می‌دانند. اما قاطبه اهل نظر، گرایش نقاشان ایران به مدرنیسم را با تاسیس دانشکده هنرهای زیبا تهران مصادف می‌دانند. در این مقاله، که به تاثیر بیدایش نفت بر نقاشان نوگرای ایران می‌پردازد، باید به این نکته نیز اشاره کرد که، فرمان مشروطه (۱۲۸۵ ش.) و قرارداد نفتی موسوم به دارسی ۱۲۸۰ ش. ۱/۱۹۰ م.، در دوران زمامداری مظفرالدین شاه قاجار و در مقطع زمانی بسیار نزدیک به هم، امضا شده است. کشف نفت در مسجد سلیمان (۱۲۸۷ ش.) و تاسیس مدرسه صنایع مستظرفه در تهران (۱۲۸۹ ش.) نیز در همین دهه رخ داده است. این هم‌زمانی‌ها نشان می‌دهد که، آموزش نقاشی متأثر از غرب و کشف نفت در ایران، نقطه تلاقی و شروع مشترکی داشته‌اند و تا رسیدن به پختگی، چند سالی را باید سپری می‌کردند. تاسیس دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۱۹ ش) در تهران، آموزش سبک‌ها و شیوه‌های جدیدی چون امپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم به واسطه مدرسان غربی و هم‌زمان آموزش نقاشی واقع‌گرا در همین دانشکده به دست استادان ایرانی (شاگردان کمال‌الملک)، برپایی نمایشگاه آثار نقاشان نوپرداز در انجمن‌های وابسته به غرب، مانند انجمن «ایران و فرانسه» در تهران، برپای نمایشگاه آثار نقاشان نوگرا در نگارخانه‌های نوین پایتخت، مانند آپادانا (۱۳۲۸ ش)، نقد و بررسی این نمایشگاه‌ها در مطبوعات و برگزاری نشست‌هایی به منظور تاویل و تفسیر این آثار برای مخاطبان، تشکیل انجمن خروس جنگی و انتشار نشریات روشنگری چون «خروس جنگی»، «کویر»، «پنجه خروس»، به همت پیشگامان نقاشی مدرن ایران (۱۳۲۸ ش) و برگزاری پنج دوره دوسالانه (بی‌ینال تهران، ۱۳۳۷-۱۳۴۵)، از جمله تلاش‌هایی بود که، در جهت آشنایی جامعه سنتی ایران با هنر نقاشی نوگرا انجام شد. در بررسی‌هایی که پژوهشگران

در این باره می‌گوید: «مینیاتورسازان ما، در ابتدای غرق بودن. آثاری بازاری برای فروش می‌ساختند. شاگردان کمال‌الملک سعی در کمال‌الملک دوم و سوم و چهارم و چندم بودن... داشتند» (حریری، ۱۳۷۸: ۵۸).

با تاسیس گالری «آپادانا» در تهران و انتشار نشریه «خروس جنگی»، به عنوان موثرترین پایگاه نوگرایان، بستر ستیز میان نو و کهنه در نقاشی معاصر ایران پی‌ریزی شد. جلیل ضیاپور در مصاحبه با ناصر حریری، هدف شکل‌گیری انجمن خروس جنگی را چنین تشریح می‌کند: «هدف ما بر این بود که، با الهامات ملی، هنر نو ملی را و جبهه برداشته‌های مان در سه رشته هنرهای تجسمی، ادبیات و تأثیر قرار دهیم... ما گفتیم: فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر/سخن نو آر که نو را حلاوتی است دیگر. و به مبارزه ادامه دادیم» (حریری، ۱۳۷۸: ۵۸). با این شعار، بار اصلی مبارزه بر دوش نقاشان فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبای تهران گذاشته شد. جلیل ضیاپور، حسین کاظمی، جواد حمیدی، محمود جوادپور، منوچهر شیبانی و بعدها سهراب سپهری، بهمن محمص و... دانشجویانی بودند که برای فراگیری بی‌واسطه مباحث نو و تکمیل آموزه‌های نقاشی خود به غرب سفر کردند. در کنار این نقاشان پیشگام و نوگرا - که همگی از شاگردان دانشکده هنرهای زیبای تهران بودند - باید از نقاش شاخص دیگری نام برد که، بیرون از این دانشکده - دانشکده هنرهای زیبای استانبول - با نقاشی غرب آشنا شده بود. بسیاری از پژوهشگران و مورخان هنر معاصر، از جمله جواد مجابی، او را در کنار جلیل ضیاپور، از نخستین نقاشان نوگرا در ایران می‌دانند. «به گمان من، جلیل ضیاپور و هوشنگ پزشک‌نیا به طور هم‌زمان از آغازگران جنبش هنر مدرن در ایران هستند» (www.isna.ir, 1391). اهمیت هوشنگ پزشک‌نیا، به ویژه در این مقاله، به این دلیل است که این هنرمند حلقه اتصال شهرهای نفتی جنوب با پایتخت هنری ایران، یعنی تهران بوده است.

هوشنگ پزشک‌نیا

شاید بتوان گفت، مهم‌ترین اتفاق هنری سال‌های ۱۳۲۷ - ۱۳۳۷ خورشیدی در شهرهای نفتی خوزستان، حضور این نقاش پرکار، در آبادان بوده است. «زندگی هنری او، به رغم

نیم‌رخ نادیده گرفته شده او، پرداخته است. این نقاش نوگرا، به سبب یک دهه حضور پربار در شهر آبادان، و پیشگامی در خلق آثار متأثر از نفت، در این پژوهش، جایگاه مهمی به خود اختصاص داده است.

نقاشان نوگرا و نفت

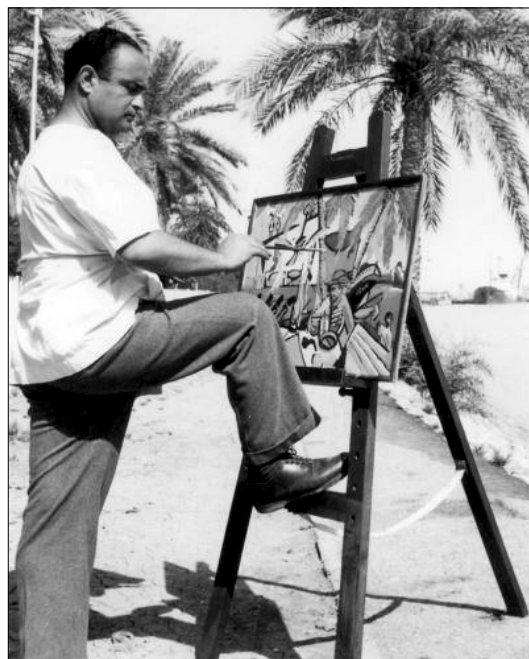
اگر مبنای نوگرایی در نقاشی معاصر ایران را تاسیس دانشکده هنرهای زیبای تهران در سال ۱۳۱۹ ش. بدانیم، و آموزش مدرسان غربی در این دانشکده را شروع آشنایی هنرجویان جوان ایرانی با گرایش‌ها و سبک‌های مدرن جهان غرب، در خواهیم یافت که، نقاشان ایرانی از نظر زمانی تنها چند دهه با دگرگونی‌های بنیادین در نگاه و روش نقاشان اروپایی فاصله داشته‌اند. «سال‌های اقامت کمال‌الملک در پاریس - حدود ۱۹۰۰ میلادی - مصادف بود با پایان جنبش امپرسیونیسم و آغاز جنبش‌های نوین دیگر در هنر اروپا» (دهباشی، ۱۳۷۸: ۱۸۶). داستان انتقاد از این نقاش، که به جای حضور در نمایشگاه‌های پرشور امپرسیونیست‌ها، به آثار کلاسیک قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی موزه‌های فرانسه و ایتالیا تمایل نشان داده، در میان مورخان معاصر هنر همیشه داغ بوده است. با این وجود، «سفر اروپا تأثیر به‌سزایی به‌خصوص از نظر تکنیک نقاشی در او برجای گذاشت» (دهباشی، ۱۳۷۸: ۱۸۶)؛ هستند منتقدانی چون آیدین آغداشلو، که مسیر طی شده در کارنامه این نقاش با نفوذ عهد قاجار را منطقی ارزیابی می‌کنند: «حالا می‌بینیم، واقعا هیچ لزومی نداشته که یک نقاش مدرن نیست به کمال‌الملک حمله کند! کمال‌الملک نقاشی است با تعهدی شسته و رفته، که درست هم انجامش می‌دهد؛ با کوشش و اصالت و آقایی تمام، از عهده کاری که بلد است... بر می‌آید» (عبداللهی و عبدی، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

نخستین فارغ‌التحصیلان رشته نقاشی دانشکده هنرهای زیبای تهران در سال ۱۳۲۴ ش.، به جامعه هنری و فضای نقاشی ایران وارد شدند. آن‌ها سخت در تلاش بودند، تا آموخته‌های خود را به میان مردم بیاورند. زیرا معتقد بودند که، خمودگی و ایستایی نگارگری ایرانی و ادامه مکتب کمال‌الملک پاسخگوی تحولات حادث شده در جهان امروز نیست. جلیل ضیاپور از نخستین فارغ‌التحصیلان این دانشکده و یکی از پیشگامان جریان نوگرایی در نقاشی ایران،

زندگی و آثار او از زبان خانواده‌اش.

ابراهیم گلستان در آبادان با پزشک نیا آشنا شد. «پزشک نیا، سال ۱۳۲۷، در دستگاه نفت کاری گرفت و به آبادان رفت. یک دوره منفرد پربار در کار او، و کار این هنر تازه جان گرفته در ایران... یک سال بعد، من برای اول بار او را دیدم، با او آشنا شدم» (گلستان، ۱۳۸۷: ۱۰۱). این آشنایی تا پایان زندگی پزشک نیا در تهران و همسایگی با او ادامه یافت. آبادان آن سال‌ها «مرکز و پایتخت هنر و ادبیات ایران است. هر چه نقاش و ادیب و هنرمند تهرانی، نمی‌توانند در پایتخت کار کنند؛ در شرکت نفت آبادان و مسجد سلیمان سرگرم به کارند...» (کیارس، ۱۳۸۸: ۷). پزشک نیا در همان سال‌های نخست حضور در آبادان، دو نمایشگاه نقاشی برپا می‌کند و «به واسطه دوستان، در یکی از مدرن‌ترین رستوران‌های شهر، به نام «آنکس»، نمایشگاهی از تابلوهای رنگ روغن می‌گذارد. کارهای زیادی می‌فروشد. چند ماه بعد، نمایشگاه دیگری در محله اعیان نشین «پریم»، برپا می‌کند. برای مجلات و هفته‌نامه‌های شرکت نفت، طراحی جلد و نقاشی متن می‌کشد. علاقمند به کنده‌کاری روی چوب می‌شود. حالا زمانی است که می‌تواند بنشیند و در آسودگی از تجربه‌هایی که، در دانشکده هنرهای زیبای ترکیه آموخته، استفاده کند» (همان). گلستان درباره این دوره از آثار پزشک نیا - که از یک حس سرخوشانه برخوردار بود - می‌نویسد: «هرگز ندیدم تمرین کند، طرحی بریزد، یا اول حدود شکل را بکشد بعد رنگ بمالد. مستقیم و ناگهانی و جادو، مانند آه کشیدن یا خنده واکنش نشان می‌داد... در این دوره، بی آن که صحبت تقلید در میان باشد، بیش‌تر آثارش از سبک‌بالی، مانند کارهای ماتیس می‌نمود، با رنگ‌های بازی‌گر، با بُعد عمق که از اختلاف رنگ خالص می‌ساخت» (گلستان، ۱۳۸۷: ۱۰۴). نجف دریابندری نیز از شناخت هنری وی سخن می‌گوید: «من تقریباً یقین دارم که، اسم وان گوگ و گوگن و سزان و ماتیس و مودیلیانی و دنباله این سلسله را نخستین بار از او شنیدم، و گمان می‌کنم که، من تنها جوان بی‌خبر آن دوره نبودم» (پاکباز و امدادیان، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

در سال ۱۳۲۸ ش. پزشک نیا در نمایشگاه گروهی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای تهران شرکت می‌کند. میزبان این هنرمندان، گالری آپادانا است. این گالری نوبنیاد، به کوشش

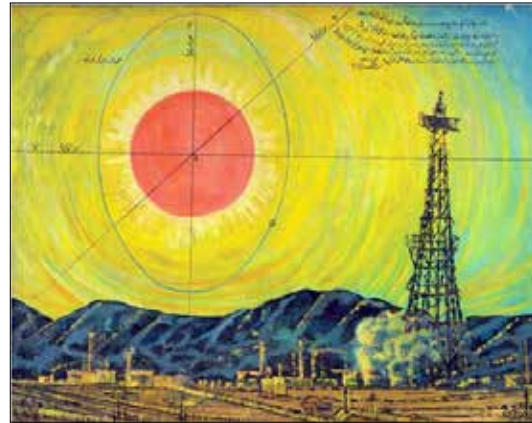


تصویر ۱. هوشنگ پزشک نیا، آبادان (خلخالیان، ۱۳۹۵).

آثار بی‌شمار و پراکنده‌ای که از او به جا مانده، کوتاه و تلخ بود. هوشنگ پزشک نیا نقاشی بود که، در ظرف زمانه‌اش نمی‌گنجید. او را بسیاری در زمان حیاتش در نیافتند و بسیاری پس از مرگش به فراموشی سپردند. نسل جوان، شاید هرگز نام او را نشنیده باشد؛ چون به جست‌وجوی او باید سراغ روزنامه‌هایی بروید که پوسیده‌اند و یا به خاطراتی رجوع کنید که کمیاب هستند» (پاکباز و امدادیان، ۱۳۷۹: ۱۶۹). درباره او کم نوشته شده است؛ اما آنچه نوشته شده، به قلم توانمندترین نویسندگان و روشنفکران معاصر بوده است. جلال آل احمد و جلیل ضیاپور در سال ۱۳۲۸، نخستین نقدهای هنری معاصر ایران را بر آثار این هنرمند نوشتند؛ ابراهیم گلستان و نجف دریابندری نیز پس از مرگ وی، به سبب نزدیکی و دوستی با او، دو مقاله مهم و روشنگر درباره زندگی و آثار وی نگاشته‌اند. کمی به مانزدیک‌تر داریوش کیارس در مجله «تندیس» به «نیم رخ» نادیده گرفته شده او، پرداخته است. اتفاق خوشایند دیگر درباره هوشنگ پزشک نیا، کتابی است که نوه او، سحر خلخالیان، با عنوان سایه پدر بزرگم به رشته تحریر در آورده است. پرویز کلانتری و جواد مجابی نیز در بزرگداشت او سخن گفته‌اند. و در آخر فیلم «مستند هنرمندان معاصر ایران، هوشنگ پزشک نیا، نقاش و طراح معاصر» ساخته «هومن حسنی» که روایتی است از



تصویر ۳. بدون عنوان، ۱۳۴۹، این اثر در پنجمین حراج تهران (خرداد ۱۳۹۵) به فروش رسید (بهمن پور، ۱۳۹۶: ۳۶).



تصویر ۲. نقاشی از پزشک نیا، (خلخالیان، ۱۳۹۵).

و همان شب او را برای بستن قرار داد، به هتل هیلتون دعوت می‌کنند. این شرکت، در حال احداث خط لوله‌ای بین آبادان و ماهشهر بود. آن‌ها از هنرمند نقاش می‌خواهند که، یک تابلو نقاشی با توجه به این پروژه نفتی بیافریند و تصمیم می‌گیرند که، از مراحل مختلف کار این نقاش عکس برداری کنند. خانم درودی، لزومی برای این کار نمی‌بیند. قرار داد بسته می‌شود. اما با این شرط که، نقاش انتخاب کننده اثر نهایی باشد. با این پیشنهاد، نقاش نگاهی فراتر به موضوع پیدا می‌کند. او در این باره می‌گوید: «در همان روزهایی که به تازگی وارد چهارمین دهه زندگی شده بودم، تصمیم گرفتم، امتیازهای مادی کار را زیر پا گذاشته و روی حق انتخاب اثر پافشاری کنم. اثری که من به عنوان خالق، ترجیحش می‌دهم و فکر می‌کنم، بهترین اثری است که می‌تواند معرف سرزمینم، ثروتش، هنرش و زنش باشد» (سحر آزاد، ۱۳۹۴). ایران درودی، درباره فرآیند خلق اثر نهایی رگ‌های زمین، رگ‌های ما می‌گوید: «فرصت چندانی برای آماده کردن اثر نداشتم؛ در فرصت اندک البته، تمام روز و شبم را صرف خلق اثر کردم. هر بار نقشی می‌کشیدم و می‌دیدم که از آن رضایت ندارم. یک، دو و... پانزده اثر، هیچ کدام، آنی نبودند که باید باشند. هیچ کدامشان نتوانسته بودند، آنچه در غوغای روحم بود، به نمایش بگذارند. هنوز اثری که، معرف غنای روح سرزمینم باشد، کشیده نشده بود. حالا که به آن آثار نگاه می‌کنم، می‌بینم هر کدامشان، آثار قابل دفاعی بودند. اما همچنان من راقانع نمی‌کردند. روزهای سختی را می‌گذراندم؛ پر از هیجان و در عین حال پر از اضطراب و دلهره. دوستان و خانواده‌ام نگرانم

حسین کاظمی، محمود جوادی پور و هوشنگ آجودانی در فضایی محقر، شکل گرفته بود. جلال آل احمد - که در آن سال‌ها برای مطبوعات نقد هنری می‌نوشت - نقاشی‌های پزشک نیا را در این نمایشگاه تحسین کرده، می‌نویسد: «پزشک نیا، بی‌شک، بهترین نقاشی است که در این نمایش دسته جمعی شرکت کرده است. کارهای او، با شعورترین و جافتاده‌ترین کارهای نمایشگاه است» (آل احمد، ۱۳۷۳: ۱۲۸۸).

پرویز کلانتری نقاش و تصویرساز نام آشنا، درباره نوآوری‌های پزشک نیا در نقاشی می‌گوید: «نخستین بار او از خط به عنوان یک عنصر بصری استفاده کرده است. هیچ‌کس متوجه نشد که برای اولین بار پزشک نیا متوجه کالیگرافی در نقاشی شد» (www.islamicartz.com, 1391).

جوادی مجابی، پزشک نیا را همچون دیگر هنرمندان نوگرایی دهه بیست خورشیدی، از جویندگان راه‌های تازه پیوند میان مدرنیست و سنت می‌داند، این منتقد و مورخ آثار هنری «بهترین آثار پزشک نیا را آن‌هایی می‌داند که، در آبادان ساخته است. با این وجود، زندگی در این شهر و دوری او از تهران را یکی از دلایل مهم مهجور ماندن سال‌های پایانی زندگی این نقاش مهم می‌داند» (www.isna.ir, 1391).

ایران درودی نقاش رگ‌های زمین، رگ‌های ما

در سال ۱۳۴۷ ش. / ۱۹۶۹ م.، نمایندگانی از شرکت نفت ایتالیایی «آی تی تی» در تهران، به آتلیه نقاشی «ایران درودی» می‌روند؛ از آثارش دیدن می‌کنند، عکس می‌گیرند



تصویر ۴. نقاشی از ایران درودی، رگ‌های زمین، رگ‌های ما (درودی، ۱۳۹۱).

شده بودند. ساعت‌ها و ساعت‌ها مشغول کار کردن بودم و خواب و خوراک، فراموشم شده بود. طی چند روز، فقط چند ساعت می‌خوابیدم. رو به روی بوم می‌نشستم و قلم‌مورا رویش می‌کشیدم؛ در آخرین شب مهلت قرارداد، ناگهان «رگ‌های زمین» خلق شد» (همان).

ظاهراً مسئولان شرکت نفتی آی تی تی، تابلوی دیگر این نقاش را با عنوان «طلای سرخ» برگزینند؛ اما ایران درودی، با توجه به قرارداد منعقد شده، این حق را برای خود محفوظ داشت که تابلوی «رگ‌های زمین» را انتخاب کند. این چنین شد که، تابلوی ایران درودی در تیراژ میلیونی و در نشریات معتبر غربی منتشر شد. او در این باره می‌گوید: «حالا پس از این سال‌ها که به آن اثر نگاه می‌کنم، فکر می‌کنم، یکی از مهم‌ترین و در عین حال، منطقی‌ترین تصمیم‌های زندگی هنریم را گرفتم؛ به خصوص آن‌که، اثر در مطبوعات معتبر دنیا چون «تایمز»، «نیوزویک»، «لایف»، «نیوزفرانت» و بسیاری دیگر در دو صفحه، همراه با نوشتاری از من منتشر و سال بعد در همان مطبوعات تجدید چاپ شد» (همان).

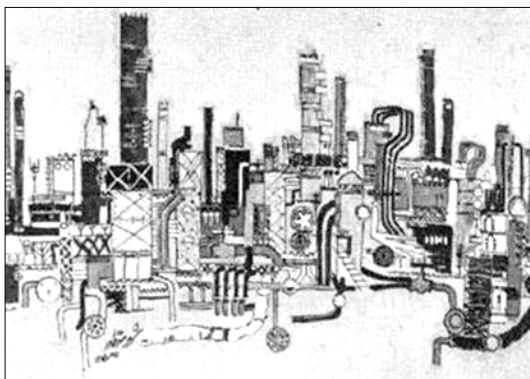
خانم ایران درودی، درباره تاثیر این پروژه و نقاشی «رگ‌های زمین» می‌نویسد: «روزی که این تابلو در مطبوعات دنیا چاپ شد، یکی از بزرگ‌ترین روزهای زندگی من بود. سی و دو سالم بود که، به شهرت جهانی رسیده بودم و درهای زیادی برایم باز شده بود... بعد از انتشار این اثر بود که، شاملو یکی از زیباترین اشعارش^۱ را به من هدیه کرد» (درودی، ۱۳۹۱).

شکرالله منظور معمار و نقاش

در شهریور سال ۱۳۴۲ خورشیدی، جمعی از هنرمندان جوان

دانشکده هنرهای زیبای تهران، به دعوت شرکت ملی نفت ایران به مناطق نفت‌خیز جنوب سفر کردند. نام این هنرمندان جوان، برای نسل امروز ایران شناخته شده است و آثارشان با سپری شدن پنج دهه، هنوز در شمار تاثیرگذاران هنر نوگرای ایران است. این هنرمندان مهمان - که اکثرشان نقاشان شهیر دهه چهل خورشیدی بودند - عبارت بودند از: منصور قندریز، فریدون رحیمی، کامران کاتوزیان، احمد عالی، شکرالله منظور، چنگیز شهوق، منوچهر شیبانی، و ناصر مفخم به عنوان سرپرست گروه. در اخبار هفته مسجدسلیمان چنین درج شده است: «روز هفدهم شهریورماه جاری، هنرمندان گروه پلاستیک ایران، به دعوت شرکت ملی نفت ایران - مناطق، به منظور بازدید از تاسیسات نفت جنوب و نمایش نمونه‌های تازه کارهای خود با قطار به اهواز وارد شدند. در اهواز، از نمایشگاه دائمی اداره روابط عمومی، دستگاه شماره ۱ بهره‌برداری، کارگاه مرکزی کارون دیدن کرده و بامداد روز بعد به مسجدسلیمان آمدند. در این ناحیه نیز از چاه شماره ۱، ۷۶ و ۳۰۶ که در حال حفاری است و همچنین کارخانه گوگردسازی، دیدن نمودند. پسین آن روز، نمایشگاهی در باشگاه مرکزی مسجدسلیمان، برای عرضه تعدادی از آثار نقاشی هنرمندان هنرهای پلاستیک تشکیل یافت و گروهی از کارکنان به همراهی بانوان شان از این نمایشگاه دیدن نمودند. روز نوزدهم شهریورماه، هنرمندان مسجدسلیمان را ترک و با هواپیما به جزیره خارک پرواز کردند. در آن جا، از تاسیسات صنعت نفت و آثار تاریخی جزیره دیدن کردند» (بازدید هنرمندان گروه هنرهای پلاستیک...، ۱۳۴۲: ۶).

این هنرمندان پس از چند ماه، در فروردین سال ۱۳۴۳ خورشیدی، با الهام از سفری که به جنوب و دیدار از تاسیسات نفتی داشتند، نمایشگاه نقاشی گروهی با ۳۴ تابلو برگزار نمودند. این نمایشگاه با نام «تاسیسات نفتی جنوب» متأثر از مناطق نفت‌خیز جنوب و پالایشگاه آبادان، در گالری «صبا» - که در همان سال به همت کامران کاتوزیان، ناصر مفخم و چنگیز شهوق بنیان نهاده شده بود - برگزار شد. (بدون عنوان، ۱، ۱۳۴۳: ۱۷). در حال حاضر بیش تر این نقاشان نامی، در میان ما نیستند. منصور قندریز - که در نقاشی بسیار مستعد بود - در همان دهه چهل خورشیدی، جوان مرگ شد. منوچهر شیبانی و چنگیز شهوق نیز در دهه هفتاد



تصویر ۶. تاسیسات نفتی، نقاشی از شکرالله منظور. (بدون عنوان، ۱۳۴۳: ۱۷)



تصویر ۵. نمایشگاه هشت نقاش نامی از گروه هنرهای پلاستیک ایران وابسته به هنرهای زیبای کشور در باشگاه مرکزی مسجد سلیمان. (بازدید هنرمندان گروه هنرهای پلاستیک...، ۱۳۴۲: ۶)

نفتی جنوب» نیز می‌شود. از آن نقاشی، امروز تنها تصویری ناواضح در مطبوعات سال‌های دور شرکت نفت - اخبار هفته مسجد سلیمان - به جا مانده است.

بهمین محمص و دو مجسمه «نشت نفت»

بهمین محمص در میان هنرمندان معاصر ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار او چه نقاشی‌ها و چه مجسمه‌ها، جزو درخشان‌ترین کارهای دهه چهل و پنجاه خورشیدی است. این هنرمند هیچ‌گاه در شهرهای نفتی جنوب ایران زندگی نکرد و آثار هنری او، هیچ‌سختی با تاسیسات نفتی نداشته است. با این وجود، مجسمه‌هایی ساخته که، پای نفت را به میان می‌کشد. آن هم با نگاهی انتقادی.

این مجسمه‌ها، جهان ذهنی «بهمین محمص است که، با وسواسی عاطفی نسبت به فجایع زیست محیطی پیرامونش، به روشنی بیان می‌شود. همان‌طور که خودش هم در گزین گویه‌هایش گفته است: در نهایت، نقاش چه معنایی دارد، در جهانی که آسمانش، بی‌پرنده و دریایش، بی‌ماهی است و جنگلش بی‌حیوان؟ ... به نظر می‌رسد، فاجعه، همین نزدیکی در کمین است... مجسمه‌های «نشت نفت» که ماهی‌ها یا پرنده‌هایی هستند که نفت، آن‌ها را سنگ کرده، و به آستانه پوچی رسانده است» (منتظمی، ۱۳۹۴: ۹۶). این مجسمه‌ها، دغدغه زیست محیطی بهمین محمص را به نحوی سرد و بی‌احساس نشان می‌دهند. در این مجسمه‌ها «ماهی و پرنده» در دستان ناتمام انسان جان داده‌اند. گویی هنرمند به شکلی نمادین قصد دارد بگوید که، همه چیز در اختیار این دستان است. دستانی که هم سازنده هستند و هم ویرانگر.

خورشیدی، دارفانی را وداع گفتند. با این وجود، نگارنده در فضای مجازی با یکی از فرهیختگان این گروه هشت نفره - که خود زاده اهواز و پرورش یافته مسجد سلیمان است - آشنا شده و مصاحبه کرده است. این آشنایی با خواندن همان گزارش منتشر شده در «اخبار هفته مسجد سلیمان» سال ۱۳۴۲، آغار شد. در این گزارش، تصویر نقاشی از پالایشگاه نفت آبادان دیده می‌شود که امضا این هنرمند نوگرا را در پای خود دارد. شکرالله منظور.

دکتر شکرالله منظور سال‌هاست که در کشور سوئد زندگی می‌کند. اما بی‌گمان روح و روانش در ایران مانده است. کافی است، نگاهی به کارنامه درخشان این هنرمند بیان‌نازیم و عناوین کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که، به زبان انگلیسی منتشر کرده است، مرور کنیم: باغ‌های پردیس در ایران، سنت و توسعه، بازسازی معماری سنتی در ایران، قنات در ایران، معماری گل و خشت در ایران. «وی همچنین مقاله‌های متعددی در زمینه معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی و هنر و فرهنگ ایران منتشر کرده است. تاکنون، دوازده نمایشگاه نقاشی و مجسمه - انفرادی یا گروهی - در ایران، چهار نمایشگاه در آمریکا و سیزده نمایشگاه در سوئد، از آثار او برگزار شده است» (ناصر زراعتی، ۱۳۹۰). این هنرمند، به تلخی از آثار هنری یاد می‌کند که، پیش از انقلاب و زمان مهاجرت از وطن، از او جدا مانده و یا مفقود شده است. «جای تاسف است، حتی در نمایشگاه‌های بعدی از کارهای دوستان و کارهای خودم هم خبری ندارم. داستان هنر و کارهای هنری در دیار ما مفصل و پیچیده است» (صمدی راد، ۱۳۹۶: ۱۲۱). این بی‌خبری شامل حال تابلوی نقاشی «تاسیسات

در این بخش، به خیرها و گزارش‌هایی می‌پردازیم که از سال ۱۳۳۸-۱۳۵۲، حضور و فعالیت هنرمندان هنرهای تجسمی را در شهرهای نفتی جنوب، و در مطبوعات شرکت نفت بازتاب داده است.

خبرهای فرهنگی - هنری مجله «آئینه» (از خرداد ۱۳۳۸ تا اسفند ۱۳۴۰)

در شماره ۲۹ این مجله - که در آذرماه ۱۳۳۹ منتشر شده است - خوانندگان، با هنرمند توانمندی به نام «پولوس خفری» آشنا می‌شوند. این کارمند اداره کل سرویس‌های اداری شرکت نفت [که در سال‌های بعد به ریاست چاپخانه شرکت نفت منصوب شد]، در شهرهای نفتی خوزستان زندگی کرده و در این زمان، در تهران ساکن است. «آقای خفری درباره نقاشی‌های خود می‌گوید: من بدین هنر از خیلی پیش علاقه داشتم و نقاشی‌هایی تهیه می‌کردم. بعداً به مرور به سبک‌های رالیسم و امپرسیونیسم علاقمند شدم و بیش‌تر وقت خود را در تهیه آثاری به سبک هنرمندان این مکاتب مصروف داشتم. بعداً به این فکر افتادم که، تحصیلاتی نیز در این رشته بنمایم و برای این منظور، تصمیم گرفتم با یکی از انستیتوهای آمریکا - که هنرهای گوناگون را از طریق مکاتبه می‌آموزند - تماس بگیرم. همین کار را هم کردم و به مرور اطلاعاتم در نقاشی توسعه یافت و توانستم راه معینی را برای خود پیش گیرم» (هنرمندان ما: پولوس خفری، ۱۳۳۹:

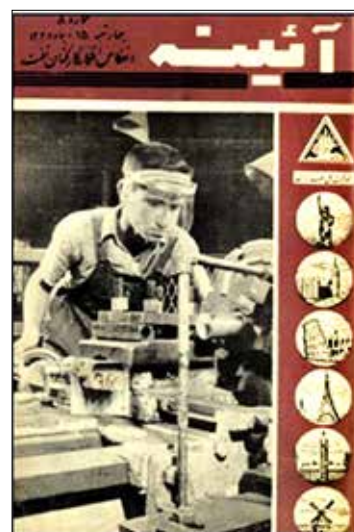


تصاویر شماره ۷ و ۸، نفت - آب (نشت نفت)، ۱۹۷۷ م، بهمن محمص (منتظمی، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۹).

تلخی نگاه بهمن محمص، جایی برای مثبت‌اندیشی مخاطب نمی‌گذارد. گویی همان قدر که، نفت منشا تحول بوده و چهره جهان را دگرگون کرده، به محیط زندگی ساکنانش، آسیب جدی رسانده است.

نقاشی در شهرهای نفتی

شهرهای نفتی جنوب ایران در فصل‌هایی از سال که آب و هوای این مناطق مطبوع است، مامن خوبی برای حضور فصلی برخی از هنرمندان شاخص کشور بوده است. آثار این هنرمندان، در بسیاری از مواقع هیچ ارتباطی با نفت و تاسیسات نفتی نداشته است. اما نمی‌توان حمایت شرکت نفت و استقبال مردم ساکن در این شهرها را، در جذب این هنرمندان، نادیده گرفت.



تصاویر ۹-۱۱، روی جلد سه مجله شرکت نفت، آئینه، اخبار هفته مسجد سلیمان و نامه صنعت نفت ایران.

علاقه به هنر نقاشی دارد و در این قسمت کار می‌کند و شهرتی به سزا به هم زده است. او مانند پیش‌تر هنرمندان دارای روحی حساس، پاک و بی‌آلایش است. نوشته‌ها و اشعار و نقاشی‌های او، از مردم و از زندگی آن‌ها الهام گرفته. ژازه فرزند همکار عزیز ما آقای سید عباس طباطبایی است» (هنر و هنرمندان: ژازه طباطبایی، ۱۳۴۲: ۳۹).

در روز سه‌شنبه نهم تیر ۱۳۴۳، نمایشگاه تابلوهای نقاشی گروهی از هنرمندان وابسته به سازمان جوانان ایران در باشگاه آپادانا به معرض تماشای عموم گذارده شد. اداره خدمات اجتماعی شرکت ملی نفت ایران - آغاچاری، طی اطلاعیه‌ای از کلیه علاقمندان به هنر نقاشی دعوت به عمل آورد که، به منظور تشویق هنرمندان، از آن نمایشگاه دیدن نمایند. در این نمایشگاه... عده کثیری از کارکنان صنعت نفت شرکت کرده و هنر آقایان بنگیز - منظورالحق - درهاکوپیان و فرزانی را - که در تهیه تابلوهای گوناگون زحمت کشیده بودند - مورد تمجید و تشویق خود قرار دادند (بدون عنوان، ۲، ۱۳۴۳: ۴۲). در میان هنرمندان شرکت کننده در این نمایشگاه، نام گارنیک درهاکوپیان نیز دیده می‌شود. هنرمندی که به تازگی، پس از ۳۸ سال دوری از محافل هنری، در آبان ۱۳۹۵، آثار نقاشی خود را به تماشای عموم گذاشت. این نمایشگاه حاصل سال‌ها تجربه این نقاش نوگرا است که، هم‌زمان در دو گالری آریا و ماه مهر، با عنوان «بازخوانی هنر مدرن ایران» برپا شد. درهاکوپیان درباره ویژگی کارهای خود می‌گوید: «من در نوجوانی و جوانی به هنر غرب علاقه بسیاری داشتم؛ اما این علاقه، کم‌کم و بعد از سفرهایی که به مناطق مختلف اروپا و

۱۳ و ۱۶). این هنرمند پرکار، نقاشی‌هایی از مناظر طبیعی شهر مسجدسلیمان در کارنامه خود دارد و گاهی دستی در خلق کایکاتور داشته است.

خبرهای فرهنگی - هنری «نامه صنعت نفت ایران» (اردیبهشت ۱۳۴۱ تا زمستان ۱۳۵۲)

در آذر سال ۱۳۴۲، نمایشگاه نقاشی «خانم شیرین جاوید (بختیاری)، کارمند روابط عمومی شرکت سهامی تصفیه نفت ایران - آبادان، در هتل هیلتون تهران تشکیل گردید و با استقبال پرشور علاقمندان مواجه شد. خانم شیرین جاوید، از جمله هنرمندان ارزنده ایست که آثار نقاشی ایشان، مورد توجه استادان نقاشی در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. ضمناً در خردادماه جاری نیز نمایشگاه جالبی از آثار نقاشی ایشان در آبادان به معرض تماشای عموم گذارده شد. نقاشی‌های مدرن خانم جاوید به شیوه آبستره اکسپرسیونیستی (Abstract Expressionism) می‌باشد. خانم جاوید برای کشیدن تابلوها از موضوعات گوناگون ایرانی و آمریکایی الهام می‌گیرد. با به کار بردن رنگ‌های روشن و شفاف خصوصیات خاص محیط و جامعه کشور باستانی ما را به شیوه‌ای نوین و ابتکاری متجلی می‌سازد» (نمایشگاه نقاشی خانم شیرین جاوید، ۱۳۴۲: ۳۴).

در شماره ۱۰، نامه صنعت نفت ایران، اسفندماه ۱۳۴۲، خوانندگان با نام «ژازه طباطبایی» نقاش، مجسمه‌ساز، شاعر، گالری‌دار، نمایش‌نامه‌نویس و... آشنا می‌شوند. «ژازه طباطبایی هنرمند است و شاعر است و نویسنده. اما بیش‌تر



تصویر ۱۲. شیرین جاوید (نمایشگاه نقاشی خانم شیرین جاوید، ۱۳۴۲: ۳۴).

Finishing school مدت سه سال به فراگرفتن هنر و زبان انگلیسی پرداخت. لارنس برادشو، مجسمه ساز و نقاش معروف انگلیسی، که استاد مدرسه مزبور بود، ذوق نقاشی را در دوشیزه ویدا مقبلی مشاهده کرد و ترتیب وارد شدن او را به هنر کده نقاشی دانشگاه آکسفورد داد. همکار ما، مدت چهار سال در آکسفورد به تعقیب هنر نقاشی پرداخت و تابلوهای گیرایی از این دوران به یادگار دارد» (هنرمندان خانواده نفت، ۱۳۴۸: ۳۹). این هنرمند نوگرا، در سبک‌های جدید هنری، تمایلات اکسپرسیونیستی داشته است. از نمونه آثار مدرن او، پرتره «یک دهقان» است که به این شیوه اجرا شده تارنج و آلام سوژه خود را به نحو موثرتری نشان دهد.



تصویر ۱۳. چهره دهقان، نقاشی از ویدا مقبلی (هنرمندان خانواده نفت، ۱۳۴۸: ۳۹).

«نمایشگاه هنر معاصر ایران از مجموعه هنری فرح دیبا، بعد از ظهر روز ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ طی مراسمی، توسط آقای مسعود فروغی، قائم مقام رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران و با حضور گروهی از روسای ادارات دولتی و صنعت نفت و معاریف شهر و ارباب جراید در تالار اجتماع کارمندان شرکت ملی نفت ایران گشایش یافت... این نمایشگاه، شامل آثار ارزنده هنرمندان معاصر ایران است که، به پسند فرح دیبا انتخاب شده است؛ و برای اهالی

آسیا داشتیم، در سال‌های آخر دهه پنجاه کمی فروکش کرد. از آن زمان به بعد، مسیر دیگری را برای جستجوگری در هنر پیدا کردم... این هنرمند نقاش درباره غیبت سال‌های طولانی خود از عرصه هنرهای تجسمی می‌گوید: «من با این نظر موافق نیستم که، اگر آثار هنرمند به موقع ارائه نشود، تاریخ مصرفش می‌گذرد. من هیچ وقت از مد روز پیروی نکرده‌ام. بنابراین در نمایش کارهایم نیز شتابی نداشته‌ام. غیبت طولانی من از صحنه هنر، به معنای دوری از اجتماع نیست و طبعاً این بینندگانند که آثار را ارزیابی می‌کنند» (www.honaronline.ir, 1395).

در شماره ۱۰، دوره پنجم، اسفندماه ۱۳۴۵، نامه صنعت نفت ایران، با خیر برگزاری نمایشگاه نقاشی «فرح نوتاش» که در دی ماه همان سال برگزار شده مواجه می‌شویم. «نمایشگاه نقاشی دوشیزه فرح نوتاش در دی ماه گذشته در مسجد سلیمان افتتاح شد و مورد بازدید عده‌ای از علاقمندان هنر واقع شد. دوشیزه فرح نوتاش، از کارکنان بهداری شرکت ملی نفت ایران در مسجد سلیمان است که علاوه بر، فن پرستاری در هنر نقاشی نیز تبحر دارد. دوشیزه نوتاش، در آکادمی هنرهای زیبای اسپانیا دوره نقاشی و طراحی را دیده است» (بدون عنوان، ۳، ۱۳۴۵: ۴۱). نمایشگاه نقاشی مسجد سلیمان، آغاز فعالیت‌های هنری فرح نوتاش بوده است. این هنرمند نوگرای زاده تهران، در کارنامه پر بار خود، بیش از ۱۶ نمایشگاه انفرادی و ۱۳ نمایشگاه گروهی دارد که، در داخل و خارج از کشور برگزار شده است. خانم نوتاش در سال ۱۳۴۶، آموزش در کالج هنر سرجان کاس لندن، ۱۳۵۳ دانشکده هنرهای اخن - آلمان و ۱۳۵۷ آکادمی هنری فلورانس را گذرانده و در رشته‌های نقاشی، مجسمه سازی، سرامیک، ویتراژ و موزاییک، تجربه‌های ارزشمندی را کسب کرده است.

در صفحه ویژه «هنرمندان خانواده نفت» در ماهنامه نامه صنعت نفت ایران، اسفند ۱۳۴۸ با خانم «ویدا مقبلی» آشنا می‌شویم. این هنرمند نقاش، از سال ۱۳۳۸ در استخدام شرکت نفت بود و در قسمت امور شرکت‌های وابسته و مشارکت‌های خارج، کار می‌کرد. خانم مقبلی «تحصیلات دوره اول متوسطه خود را در ایران به پایان رسانید؛ سپس به انگلستان عزیمت کرد و در مدرسه تکمیلی گرو Grove.

بی معنا نبوده است. این مجموعه - که شامل آثاری از نقاشان و مجسمه سازان ایرانی و خارجی است - توسط «کارشناسان هنری چون «دانا استاین» و «دبوید گالووی» آمریکایی، «کامران دیبا» و «کریم پاشا بهادری» و زیر نظر مستقیم ایشان، خریداری شد. پول خرید این آثار، از شرکت ملی نفت ایران و سازمان برنامه و بودجه تامین شد...» (fa.m.wikipedia.org, 1396). از هنرمندان نوگرای ایرانی که آثارشان در این مجموعه - موزه هنرهای معاصر تهران - حضور دارند، می توان به حسین زنده رودی، صادق تبریزی، آیدین آغداشلو، منصور قندریز، پرویز تناولی، محمداحصایی، فرامرز پیلارام، لیلی متین دفتری، محسن وزیری مقدم، سهراب سپهری، مارکو گریگوریان و... اشاره کرد. «موزه هنرهای معاصر ایران در حال حاضر، گنجینه نفیسی از آثار هنرمندان مدرن جهان و ایران را در خود جای داده است، که در مقطعی از زمان و به سبب افزایش بهای نفت و شناخت و علاقه فرح دیبا خریداری شد. بهای آثار محفوظ در این گنجینه ملی، اکنون ۲/۵ میلیارد دلار برآورد شده است» (علی زمانی، ۱۳۹۵).

- در صفحه «هنرمندی از خانواده نفت» دی ماه ۱۳۵۱، با خانواده مشیری آشنا می شویم. همه اعضای این خانواده

آبادان، فرصت بسیار مغتنمی است که، به منظور شناخت هنر معاصر ایران و آشنایی هر چه بیش تر با این آثار، از آن دیدن نمایند. این نمایشگاه در تهران با حضور ایشان افتتاح شده است؛ و در شیراز هم زمان با برگزاری جشن های هنر در شهریور ماه ۱۳۵۰ دائر گردیده است؛ پس از آبادان، در اهواز و مسجدسلیمان نیز به معرض تماشای عموم گذارده خواهد شد» (نمایشگاه هنر معاصر ایران، ۱۳۵۱: ۴۶). برگزاری این نمایشگاه در آبادان از دو جهت حائز اهمیت است: نخست اینکه، این آثار، حاصل کار بسیاری از هنرمندان نوگرای ایران است، آن هم بهترین ها. این هنرمندان نوگرا، بیش تر از فارغ التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا و یا دانشکده هنرهای تزیینی بودند که، در دوران حکومت پهلوی اول و دوم تاسیس شده است. پس فارغ از هر گونه جهت گیری، طرز نگرش حاکمان وقت به هنر معاصر را به خوبی نشان می دهند. دوم اینکه، این آثار - که بعدها (۱۳۵۶)، به موزه هنرهای معاصر تهران سپرده شدند - با پول نفت خریداری شدند. در زمانی که، بهای نفت در بازارهای جهانی افزایش یافته بود و سرمایه هنگفتی از پول نفت به خزانه دولت واریز می شد. پس حضور این آثار، در آبادان و دیگر مناطق نفت خیز، دور از ذهن و



تصاویر ۱۴. نقاشی های منوچهر صوفرزاده (نمایشگاه نقاشی نفت در آبادان، ۱۳۵۲: ۳۸).

شرکت‌های عامل نفت ایران، بعد از ظهر روز شنبه ۲۰ بهمن ماه، طی مراسمی در باشگاه ایران گشایش یافت. ابتدا آقای ورزنده رئیس شرکت ملی نفت ایران - منطقه مسجدسلیمان، هفتکل و نفت سفید، طی بیاناتی از تشکیل چنین برنامه‌هایی از طرف هنرهای زیبای کشور اظهار خوشنودی نموده، جلسه را افتتاح نمودند. سپس، آقای هانیبال الخاص بیاناتی پیرامون هنر نقاشی ایراد نمود «نمایشگاه نقاشی، مهدی ویشکایی و الخاص، ۱۳۴۱: ۴».

در شماره ۵۱، اسفند ۱۳۴۱، درست یک ماه بعد از نمایشگاه آقای ویشکایی و الخاص در مسجدسلیمان، سمبات نقاش شناخته شده ارمنی تبار، نمایشگاهی از آثار نقاشی خود برپا نمود. موضوع نقاشی‌های این هنرمند، طبیعت، ابنیه تاریخی و فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایران بوده است. تابلوهای آبرنگ این هنرمند، جزو بهترین آثار نقاشی معاصر ایران به شمار می‌آید. اخبار هفته مسجدسلیمان با یک آگهی کوتاه و مختصر، خبر برگزاری این نمایشگاه را اعلان می‌کند. «نمایشگاه آثار نقاشی آقای سمبات، از روز پنجشنبه ۲۳/ اسفندماه/ ۱۳۴۱، به مدت چهار روز، در باشگاه مرکزی دایر خواهد بود. از علاقمندان بدین وسیله دعوت می‌شود. ضمناً، آثار نقاشی مزبور به فروش می‌رسد» (نمایشگاه نقاشی، سمبات در کیورقیان، ۱۳۴۱: ۹). یک سال بعد از این نمایشگاه، سمبات نمایشگاه دیگری در مسجدسلیمان برگزار می‌کند. به نظر می‌آید، آخرین حضور او در این شهر بوده است. گزارش این نمایشگاه در شماره ۳، فروردین ۱۳۴۲، اخبار هفته مسجدسلیمان منتشر شده است. «اخیراً نمایشگاهی از آثار نقاشی آقای سمبات در کیورقیان، در تالار قرائت خانه باشگاه مرکزی مسجدسلیمان تشکیل گردید. در این نمایشگاه، تعداد ۷۰ تابلو و طرح، به نمایش گذارده شده بود. اکثر این آثار را طرح‌هایی از طبیعت تشکیل می‌داد که، نقاش شخصاً از مناظر مختلف و زندگی مردم ایران برداشته بود.

قدرت این هنرمند ارزنده در طرح و علاقه وی به طبیعت، کاملاً مشهود بود. آقای سمبات از هنرمندانی است که، برای رسیدن به مقصود و پیشرفت کار خود، تلاش بسیار نموده و اغلب آثار خود را در معابر و مجامع پدید آورده است. ایشان به منظور آشنایی بیش‌تر با روش‌های نوین نقاشان

دستی در هنر دارند. آقای منصور مشیری - که از اولین شماره‌های نامه صنعت نفت، گاه به گاه اشعاری از ایشان در این مجله منتشر شده است - در شرکت سهامی کود شیمیایی ایران وابسته به شرکت ملی صنایع پتروشیمی، خدمت می‌کرده است. وی علاوه بر سرودن شعر، نویسنده و نقاش هم بوده و نقاشی‌هایی با موضوع طبیعت به ویژه شمال، بازار، مسجد و سقاخانه و... کشیده است. «آقای مشیری علاوه بر نقاشی‌های کلاسیک در کارگاه هنری خود تابلوهای گیرنده ای، به سبک مدرن دارد؛ که هر یک، نمایشگر حالات درونی خاص می‌باشند و تحت عنوان‌های خشم، ترس، سراب، رنج، طوفان، برده فروشی و... که با رنگ‌های جان داری، کشیده شده است» (هنرمندی از خانواده نفت، ۱۳۵۱: ۳۴). وجود خانواده‌های هنرمند و تحصیل کرده در دهه چهل و پنجاه خورشیدی نشانه شکل‌گیری طبقه متوسط شهری است، که پیش از این، در ایران بی‌سابقه بوده است.

- یکی از آخرین خبرهای مربوط به هنرهای تجسمی که در «نامه صنعت نفت ایران» منتشر شده است، گزارشی است از نمایشگاه نقاشی آقای «منوچهر صوفرزاده» با عنوان «نفت»، که به مناسبت ششمین جشن فرهنگ و هنر در آبادان برگزار شده است. این نمایشگاه با حمایت اداره فرهنگ و هنر در آبان ۱۳۵۲، در تالار اجتماع کارمندان صنعت نفت، در آبادان برگزار شد. «در این نمایشگاه - که پس از افتتاح، به مدت ۵ روز برای تماشای علاقمندان در محل دایر بود - تعداد ۴۰ تابلو نقاشی (پرتره و آبستره) به معرض دید و داوری هنر دوستان گذارده شد. تابلوهای آبستره این نمایشگاه، شامل مناظر گوناگونی از صنایع نفت و گاز و اسکله‌های بارگیری و خطوط لوله و نظایر آن بود» (نمایشگاه نقاشی نفت در آبادان، ۱۳۵۲: ۳۸).

خبرهای فرهنگی - هنری مجله «اخبار هفته مسجدسلیمان» (۱۳۳۸ - ۱۳۴۴)

در شماره ۴۸، اسفند ۱۳۴۱، خبر برگزاری نمایشگاه نقاشی دو هنرمند نامی کشور در مسجدسلیمان جلب توجه می‌کند. «نمایشگاه آثار نقاشی آقای «مهدی ویشکایی» و «هانیبال الخاص»، به اهتمام اداره روابط بین‌المللی و انتشارات هنرهای زیبای کشور با همکاری شرکت ملی نفت ایران و



تصویر ۱۵: (نمایشگاه نقاشی سمبات در کیورقیان، ۱۳۴۲: ۶).

نامدار دهه ۱۳۴۰ خورشیدی «زمان زمانی» و «بهر روز گلزاری»، برای ماهنامه «نامه صنعت نفت ایران» صفحه آرایی کردند. پس از ملی شدن صنعت نفت «محمود جوادی پور»، در سال ۱۳۳۲ خورشیدی، نشانه «شرکت ملی نفت ایران» را طراحی کرد. هر سه این هنرمندان، از دانشجویان رشته نقاشی دانشکده هنرهای زیبای تهران بودند.

نتیجه گیری

نام آورترین نقاش نوگرا - که به تفصیل در این پژوهش به آن پرداخته شد - هوشنگ پزشک نیا است. این هنرمند پیشگام در نقاشی مدرن ایران، هم در شهرهای نفتی خوزستان (آبادان)، زندگی کرده است و هم بخش قابل توجهی از آثارش به صنعت نفت، کارگران و مردم بومی این شهرها ارتباط دارد. شاید بتوان گفت که، او نه تنها در نقاشی نوگرایی ایران پیشتاز بوده است، بلکه در نقاشی متأثر از نفت در شهرهای نفتی نیز آغازگر است. حضور او در آبادان سال ۱۳۲۷ خورشیدی، می تواند مبنای بررسی تاریخ هنرهای تجسمی در مناطق نفت خیز جنوب باشد. پس از پزشک نیا، نقاشان برجسته دیگری نیز در شهرهای نفتی خوزستان حضور پیدا کردند که، می توان آن ها را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول نقاشانی هستند که، بخشی از آثارشان مستقیماً به نفت مربوط می شود. این نقاشان آثاری متأثر از نفت آفریده اند: هوشنگ پزشک نیا، ایران درودی، شکر... منظور، منوچهر صوفرزاده و... گروه دوم هنرمندانی هستند که، آثارشان به نفت مربوط نبوده است. اما شهرهای نفتی را برای ارائه و فروش آثار خود مناسب دیدند و سال های متمادی با مناطق نفت خیز در ارتباط بودند. مهدی ویشکایی، سمبات در کیورقیان، هانیبال

خارجی چندی پیش، به انگلستان سفر نموده و مدت شش ماه با استادان فن، به مطالعه پرداختند» (نمایشگاه نقاشی، سمبات در کیورقیان ۱۳۴۲: ۶). «سمبات نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در سال ۱۳۲۷ خورشیدی، با حمایت باشگاه فرهنگی صنعت نفت در «آبادان»، برپا کرد؛ که سبب شهرت بیشتر وی و دریافت سفارش های بسیاری شد» (www.paymanonline.com, 1391).

- آخرین خبر هنری که در «اخبار هفته مسجد سلیمان» در سال ۱۳۴۴ دیده می شود، مربوط به نمایشگاه نقاشی کریستوفر تادوسیان (۱۲۸۴ - ۱۳۷۱ ش.)، معمار ارمنی تبار، که در مسجد سلیمان برگزار شده است. وی دانش آموخته دانشکده معماری ژنو بود. «تادوسیان عضو همایش بین المللی معماری مدرن بود و با لوکوربوزیه، همکاری داشت. از آثار او، می توان به ساختمان بانک ملی اهواز و بیمارستان فیروزگر اشاره کرد. تادوسیان برای طرح ساختمان های ضد زلزله، مفتخر به دریافت نشان طلای همایش بین المللی معماری مدرن شد» (fa.m.wikipedia.org, 1396). در شماره ۱۰، خرداد ۱۳۴۴، اخبار هفته مسجد سلیمان می خوانیم «از روز شنبه، مورخ ۲۵ اردیبهشت ماه/ ۱۳۴۴، نمایشگاه جالبی از آثار نقاشی آقای مهندس کریستوفر تادوسیان، به مدت سه روز، در باشگاه مرکزی مسجد سلیمان به معرض تماشای کارکنان صنعت نفت گذارده شد...» (نمایشگاه نقاشی، کریستوفر تادوسیان، ۱۳۴۴، ص ۵).

علاوه بر نقاشانی که در این مقاله به آن ها اشاره شد، نقاشان نوگرایی دیگری نیز بوده اند که در عرصه تصویرگری مطبوعات شرکت نفت و یا طراحی نشانه همکاری داشته اند. دو نقاش

الخاص، گارنیک درهاکوپیان، کریستوفر تادوسیان و... در زمره این نقاشان هستند. در تقسیم‌بندی دیگر می‌توان گفت که، برخی از این نقاشان یا در استخدام شرکت نفت بوده‌اند و یا به صورت فصلی و موقتی با شرکت نفت همکاری و ارتباط داشته‌اند. پزشک نیا، شیرین جاوید، فرح نوتاش، پولوس خفری، ویدا مقبلی، مشیری، از جمله نقاشان در استخدام شرکت نفت بودند و نقاشان نامداری مانند: منصور قندریز، هانیبال‌الخاص، کامران کاتوزیان، احمد عالی، شکرالله منظور، چنگیز شهوق، ناصر مفخم، منوچهر شیبانی، ژازه طباطبایی، مهدی ویشکایی، گارنیک درهاکوپیان، سمبات درکیورقیان، کریستوفر تادوسیان و... به صورت فصلی و موقتی در مناطق نفت خیز حضور داشتند. علت حضور پررنگ هنرمندان نقاش در شهرهای نفتی خوزستان را می‌توان در عوامل زیر جستجو و پی‌گیری کرد:

الف) در سال‌های سیطره شرکت نفت ایران و انگلیس، که از زمان کشف نفت سال ۱۲۸۷ آغاز و تا سال ۱۳۲۹ خورشیدی ادامه داشته است، مدیران این شرکت، مشی محافظه‌کارانه و درونگرا داشته‌اند. فعالیت کارفرمایان انگلیسی در شهرهای نفتی به‌غایت خود محور و آمرانه بوده است. در نتیجه، تا قرارداد ۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ش.، کارکنان ایرانی - که اکثراً کارگران ساده بودند - نقشی در تحول و تصمیم‌گیری‌های شرکت نفت نداشتند. از زمان انعقاد این قرارداد (۱۹۳۳ م.) کارکنان ایرانی برای آموزش به انگلستان گسیل می‌شوند و در سال ۱۳۱۸ خورشیدی دانشکده نفت آبادان، به منظور آموزش فنی ایرانیان تاسیس می‌گردد. با ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ خورشیدی است که، کارکنان ایرانی شرکت ملی نفت ایران، امور را به دست می‌گیرند. در سال‌های پس از آن، تلاش می‌کنند تا فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شرکت را به ویژه، در مناطق نفت خیز برای عموم تشریح کنند. به عبارت دیگر، پس از ملی شدن صنعت نفت، این شرکت فعالیت‌های خود را از طریق رسانه‌ها - مطبوعات، رادیو و تلویزیون - به اطلاع مردم می‌رساند و نقش مستقیم‌تری در تحولات اجتماعی کشور به عهده می‌گیرد. با توجه به گزارش‌های مطبوعات سال‌های پس از ملی شدن صنعت نفت، می‌توان گفت، مدیران ایرانی شرکت نفت، سعی داشتند برخلاف سال‌های سیطره انگلیسی‌ها، مشی برون‌گرایانه

داشته باشند. حضور چشمگیر هنرمندان، به ویژه نقاشان، در شهرهای نفتی و حمایت شرکت نفت برای برپایی نمایشگاه و فروش آثار این هنرمندان و یا استخدام برخی از این نقاشان، بخشی از این سیاست‌های برون‌گرایانه شرکت ملی نفت ایران، بین سال‌های ۱۳۳۰ - ۱۳۵۰ بوده است. در مطبوعات سال‌های مورد بحث چنین انعکاس یافته است که، آثار هنری که با پول نفت خریداری می‌شد، پس از تهران، در مناطق نفت خیز به نمایش در می‌آمد. در این سال‌ها موزه‌های متعددی تاسیس شد؛ از جمله موزه آبادان و شوش. هنرمندان خارجی و ایرانی بی‌شماری برای اجرای برنامه‌های هنری، موسیقی، تئاتر و... به این مناطق آمدند. می‌توان به این نتیجه رسید که، حمایت از هنرمندان نقاش، بخشی از سیاست‌های فرهنگی حاکمان وقت و شرکت ملی نفت ایران در آن سال‌ها بوده است. به سخن دیگر، حضور هنرمندان و رونق فرهنگی در مناطق نفت خیز خوزستان، اعتماد به نفس لازم را در مسئولین، افزایش داده و نقشی مکمل، در رشد صنعت نفت داشته است. این هدف، با مشارکت همه جانبه اداره روابط بین‌المللی و انتشارات هنرهای زیبای کشور، دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای تهران، گروه‌هایی مانند گروه هنرهای پلاستیک و همچنین هنرمندان تراز اول در مناطق نفت خیز دنبال می‌شده است.

ب) شکل‌گیری طبقه متوسط شهری در این مناطق، یکی دیگر از عوامل اقبال هنرمندان در شهرهای نفتی بوده است. این قشر از جامعه، مخاطبان اصلی محصولات هنری بودند. سلسله مراتب اداری شرکت نفت در شهرهای نفتی چون آبادان و مسجدسلیمان، علاوه بر طبقه کارگر، سبب به وجود آمدن طبقه متوسط شهری - کارمندان - شده بود که، قدرت خرید محصولات هنری را داشتند. شهرهای نفتی به گونه‌ای طراحی شده بودند که، کارکنان شرکت و خانواده‌هایشان را به حضور در مکان‌های عمومی، مثل باشگاه‌های تفریحی - فرهنگی، سینماها و مجالس شب‌نشینی، ترغیب می‌کرد. هنرمندان از این فضاهای عمومی و مدرن استفاده می‌کردند، تا آثار خود را به کارکنانی که، از نظر مالی برخوردار بودند، بفروشند. پیش‌تر به برپایی نمایشگاه نقاشی هوشنگ پزشک نیا در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، در رستوران «انکس» آبادان - که محل تجمع کارمندان شرکت نفت بود - اشاره شد، و نیز

مناطق خود را نشان می‌داد؛ و به احتمال زیاد استقبال از هنرمندان نوگرای ایران در شهرهای نفتی جنوب دلیلی جز این نداشته است. کارکنان شرکت نفت و خانواده‌های آن‌ها، در سال‌هایی از آثار هنرمندان نوگرای ایران در مناطق نفت خیز جنوب استقبال کردند که این هنرمندان، برای برپایی نمایشگاه در تهران با مشکلات زیادی مواجه بودند. آن‌ها با ارائه آثار خویش در گالری‌های نوبنیادی چون «آپادانا»، «ایران»، «صبا» و... که خود تاسیس کرده بودند- و انجمن‌ها و نشریاتی مانند «خروس جنگی»- که به همت خود آن‌ها منتشر می‌شد، تلاش می‌کردند، تا دگرگونی‌های جهان هنر و نگاه نو هنرمندان معاصر را برای تماشاگران آثار خود تشریح کنند. این تلاش‌ها، مخاطبانی خاص داشت. مردم اقبالی به آثار آن‌ها نشان نمی‌دادند و نقاشان نوگرای معاصر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بودند. به نظر می‌آید، شهرهای نفتی و کارکنان شرکت نفت، آمادگی بیش‌تری برای پذیرش آفرینش‌های جدید هنری داشتند. زیرا زندگی آنها نیز مانند جهان هنر دچار دگرگونی بزرگی شده بود.

ه) پس از ساقط شدن دولت دکتر مصدق و شکل‌گیری کنسرسیوم، علاوه بر کارکنان انگلیسی- که ۴۰ درصد سهام نفت ایران را در اختیار داشتند- آمریکایی‌ها، هلندی‌ها، ایتالیایی‌ها و دیگر کشورهای صاحب سهام نفت ایران، در مناطق نفت خیز جنوب حضوری چشمگیر و فعال داشتند. این کارکنان شرکت‌های نفتی بزرگ جهان همراه خانواده‌های خود به شهرهای نفتی خوزستان آمده بودند و بیش از ۲۵ سال، در این مناطق کار و زندگی کردند. حضور ساکنان جدید، بی‌تردید نقش مهمی در شکل‌دهی الگوهای هنری در میان ساکنان بومی این شهرها داشته است. شکی نیست که، نگاه و سلیقه‌های این افراد تازه‌وارد با ملیت‌های گوناگون و پیشینه هنری کشورهای آن‌ها، در آشنایی بیش‌تر ساکنان با سبک‌ها و گرایش‌های جدید هنری، نقش مهمی داشته‌اند. این نقش می‌تواند یکی از عوامل مهم حضور هنرمندان نوگرای ایرانی در شهرهای نفتی خوزستان باشد.

دو نمایشگاه نقاشی سمبات در کیورقیان نقاش ارمنی تبار اصفهانی، در سال‌های نخست دهه ۱۳۴۰ خورشیدی در باشگاه «مرکزی» مسجد سلیمان.

ج) حضور نخبگان فرهنگی، یکی دیگر از عوامل رونق فرهنگی در مناطق نفت خیز جنوب بوده است. این نخبگان غیر بومی، اکثراً برای کار به این مناطق آمده بودند. بخشی از آن‌ها، از اقلیت‌های مذهبی و یا ملیت‌های دیگر بودند. بی‌تردید از مخاطبان اصلی و خریداران دائمی محصولات فرهنگی، همین نخبگان بودند که گاه خود، دستی بر آتش هنر داشتند. خاطره لیلی گلستان از آبادان و دوران کودکی گویای این حضور است: «اولین نقاشی را که به یاد دارم، هوشنگ پزشک نیا بود. آدم شریف و نازنینی که از زمانه‌اش خیلی جلو بود. در آبادان او را شناختم. بیش‌تر صورت کارگرهای شرکت نفت را می‌کشید. پرتره‌های فوق‌العاده‌ای که هنوز و همیشه فوق‌العاده‌اند... پدرم نقاشی‌هایش را می‌خرید و در و دیوار خانه‌مان پر از تابلوهای او بود» (فیروز بخش، ۱۳۹۲: ۱۷ و ۲۸).

د) نکته‌ای که درباره نقاشان مطرح شده در این مقاله، باید به آن اشاره شود، ارتباط مستقیم آن‌ها با کشورهای غربی است. کارکنان شرکت نفت، علاوه بر اینکه، از کالاهای مصرفی غرب فراوان بهره می‌بردند- و از این نظر، مورد نقد برخی روشنفکران بودند- راه‌های ارتباط علمی- هنری، با کالج‌ها و دانشگاه‌های غربی، همواره برای آن‌ها میسر بود. بسیاری از این کارکنان، به صورت مکاتبه‌ای و یا حضوری، توانسته بودند، در موسسات و دانشگاه‌های غربی، مدارج علمی را طی کنند. هنرمندانی چون خانم «فرح نوتاش»، که پرستار بیمارستان مناطق نفت خیز بود و خانم «ویدا مقلبی» و «شیرین جاوید» توانسته بودند، علاوه بر شغل اداری خود، به تحصیلات هنری نیز بپردازند. این آسانی راه ارتباط با جهان غرب، تأثیرات عمیقی در روابط اجتماعی مردمان این شهرها به وجود آورده بود. مدهای روز جهان و سلیقه‌های هنری غرب، به دلیل همین ارتباط تنگاتنگ، زودتر از دیگر شهرهای ایران در این

پی‌نوشت:

۱. «رگ‌های زمین، رگ‌های ما» نامی است که احمد شاملو برای این تابلو نقاشی برگزید و به همین مناسبت، شعری با نام «اشارتی»، به ایران درودی تقدیم کرد، با مطلع «پیش از تو...» از دفتر شعر «ابراهیم در آتش».

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۷۳). *ادب و هنر امروز ایران: مجموعه مقالات*، جلد سوم، تهران: میترا و همکاران.
- بهمن پور، محمود رضا (۱۳۹۶). *همسفر باد*، هوشنگ پزشک نیا (گزیده آثار)، تهران: نظر.
- پاکباز، روئین و امدادیان، یعقوب (۱۳۷۹). *به باغ همسفران*، تهران: نظر.
- حریری، ناصر (۱۳۷۸). *درباره هنر و ادبیات (گفت و شنودی با: جلیل ضیا پور و نصرت اله مسلمیان)*، تهران: آویشن.
- درودی، ایران (۱۳۹۱). «*تابلوی نفت به روایت درودی*»، ماهنامه تجربه، دوره جدید، شماره ۱۲، شماره پیاپی ۱۲.
- دهباشی، علی (۱۳۷۸). *یادنامه کمال الملک*، تهران: به دید.
- صمدی راد، محمد (۱۳۹۶). *تاثیر بیدایش نفت بر هنرهای تجسمی شهرهای نفتی خوزستان*، دانشکده هنر شهید چمران اهواز.
- عبداللهی، اصغر و عبدی، محمد (۱۳۷۹). *از پیدا و پنهان آیدین آغداشلو*، تهران: کتاب سیامک.
- فیروزبخش، امید (۱۳۹۲). *لیلی گلستان (تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران)*، تهران: ثالث.
- کیارس، داریوش (۱۳۸۸). «*نیم رخ هوشنگ پزشک نیا*»، تندیس، شماره ۱۶۸، ۶-۸.
- گلستان، ابراهیم (۱۳۸۷). *گفته‌ها*، تهران: بازتاب نگار.
- منتظمی، مراد (۱۳۹۴). «*بهمن محمص در موج خیز سیاه تاریخ*»، حرفه: هنرمند، شماره ۵۴، ۹۶-۹۹.

پایگاه‌های اینترنتی:

- آزاد، سحر (۱۳۹۴). *رگ‌های زمین، رگ‌های ما*، sharghdaily.ir: 1396/1/31
- ایسنا (۱۳۹۱). *پزشک نیا نخستین هنرمند مدرنیست ایرانی به شمار می‌رود*، www.isna.ir, 1396/1/31
- زرزاعی، ناصر (۲۰۱۱م. ۱۳۹۰ش.). *برما چه گذشت؟* shahrvand.com, 1396/1/31
- زمانی، علی (۱۳۹۵). *گشتی در موزه ۵، ۲ میلیارد دلاری هنرهای معاصر تهران*، rooziato.com, 1396/2/14
- ویکی‌پدیا (۱۳۹۶). *فهرست معماران ارمنی*، fa.m.wikipedia.org, 1396/2/5
- ویکی‌پدیا (۱۳۹۶). *موزه هنرهای معاصر تهران*، fa.m.wikipedia.org, 1396/2/4
- هنر آنلاین (۱۳۹۵). *گارتیک درهاکوپیان در چهارمین بازخوانی هنر مدرن ایران*، www.honaronline.ir, 1396/2/3
- هنر اسلامی (۱۳۹۱). *پزشک نیا مبدع نقاشی خط در ایران است*، islamicartz.com, 1396/1/30
- یونانسیان، ایساک (۱۳۹۱). *سمبات در کیورقیان (۱۳۷۸-۱۳۹۲)*، www.paymanonline.com, 1396/2/5

اخبار نمایشگاه‌ها:

- هنرمندان ما: پولوس خفزی (۱۳۳۹). «*آئینه*»، شماره ۲۹، ص ۱۳ و ۱۶.
- نمایشگاه نقاشی، مهدی ویشکایی و الخاص (۱۳۴۱). «*اخبار هفته مسجد سلیمان*»، شماره ۴۸، ص ۴.
- نمایشگاه نقاشی، سمبات در کیورقیان (۱۳۴۱). «*اخبار هفته مسجد سلیمان*»، شماره ۵۱، ص ۹.
- نمایشگاه نقاشی، سمبات در کیورقیان (۱۳۴۲). «*اخبار هفته مسجد سلیمان*»، شماره ۳، ص ۶.
- بازدید هنرمندان گروه هنرهای پلاستیک ایران از مناطق نفت خیز (۱۳۴۲). «*اخبار هفته مسجد سلیمان*»، شماره ۲۶، ص ۶.
- نمایشگاه نقاشی، کریستوفر تادوسیان (۱۳۴۴). «*اخبار هفته مسجد سلیمان*»، شماره ۱۰، ص ۵.
- نمایشگاه نقاشی خانم شیرین جاوید (۱۳۴۲). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره دوم، شماره ۷، ص ۳۴.
- هنر و هنرمندان: ژازه طباطبایی (۱۳۴۲). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره دوم، شماره ۱۰، ص ۳۹.
- بدون عنوان ۱ (۱۳۴۳). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره دوم، شماره ۱۲، ص ۱۷.
- بدون عنوان ۲ (۱۳۴۳). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره سوم، شماره ۳، ص ۴۲.
- بدون عنوان ۳ (۱۳۴۵). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره پنجم، شماره ۱۰، ص ۴۱.
- هنرمندان خانواده نفت (۱۳۴۸). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره هشتم، شماره ۱۰، ص ۳۹.
- نمایشگاه هنر معاصر ایران (۱۳۵۱). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره دهم، شماره ۱۲، ص ۴۶.
- هنرمندی از خانواده نفت (۱۳۵۱). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره دهم، شماره ۸، ص ۳۴.
- نمایشگاه نقاشی نفت در آبادان (۱۳۵۲). «*نامه صنعت نفت ایران*»، دوره دوازدهم، شماره ۵، ص ۳۸.